

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

به قلم حمید بهشتی

۲۴ سپتمبر ۲۰۱۱

## آیا ما با پاپ هستیم یا مخالف او؟

به مناسبت دیدار رهبر کلیسای کاتولیک از المان

هنگامی که بندیکت شانزدهم به رهبری کلیسای کاتولیک انتخاب شد، همه جا در المان گفته می شد: ما همه پاپ هستیم. آنگاه بود که ما در المان به پاپ خودمان رسیدیم. و اکنون به هنگام دیدار اخیر او حتی نمایندگان مجلس المان نیز علیه او به تظاهرات می پردازند زیرا که او که به نحو دموکراتیک از جانب مردمان اهل کلیسا انتخاب نشده است، قصد دارد در مجلس المان سخنرانی کند. این است که قرار است حدود صد تن از نمایندگان از حضور در مجلس خودداری کنند.

جهانیان از خود می پرسند، در المان چه خبر است؟ پیش از این المان برنامه انرژی هسته ای خود را ناگهان کنار گذاشت، در حالی که قسمت اعظم اقتصاد و صنعت و نیز سایر کشورها به انرژی اتمی سخت چسبیده اند. در مورد دیدار پاپ نیز المان به گونه ای ویژه با آن برخورد می کند. بله، المانها با مسائل هنگامی که به صورت حاد درآیند و در موردشان تصمیم گیری لازم شود، برخورد جدی می کنند.

اما چرا اکنون پاپ المانی اینچنین مورد مناقشه شده است؟ زیرا که او برای مسائل مربوط به زمان پاسخ های بی زمان می دهد. وی در مقام رهبر کلیسای کاتولیک هنگامی که می بیند با اصلاحات، نفوذ کلیسا از بین می رود اجازه اصلاحات نمی دهد. او معتقد است که کلیسا با اصلاحات، مبانی خویش را از دست می دهد. وی فکر می کند اصول دین دارای مبانی ازلی هستند که با اصلاحات به مرور تضعیف می گردند. شاید او فکر می کند به همانگونه که ما به خدا به صورت یک عظمت ازلی می نگرییم، دین او نیز دارای مبانی ازلی و غیرقابل اصلاحات می باشند.

درست نظیر همین بینش را سنت گرایان قاهره و قم، پایتخت اسلام شیعی، دارند. مفتی های اعظم سنی و آیت الله های عظام شیعی نیز بیم آن را دارند که با اصلاحات دستورات مذهبی نفوذ خود را از دست داده و به نسبییت دچار گردند.

هم بندیکت شانزدهم و هم خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، هر دو حاکمیت انعطاف ناپذیری را اعمال می کنند، هر کدام به نوعی. و البته بدین خاطر که معتقدند هر گاه اصلاحات مجاز گردد در نهایت از اصالت تعلیمات دینی دیگر چیزی باقی نخواهد ماند.

مشکل آنها برداشتشان از همیشگی بودن دستورات دینی است که به ازلی بودن خدا مربوط می شود. زیرا مشیت الهی برتر از همه چیز است. اما مشیت الهی چیست؟ این است که باید گفت همه این مشکلات به یک موضوع مربوط به خدا شناسی بر می گردد: آیا خداوند مستبد است؟

آیا مشیت او باید، به گونه ای که ما آن را می فهمیم، برای همیشه با اجبار حاکم گردد؟ حال ازدواج نکردن پدران روحانی باشد یا حجاب اجباری و یا سایر دستورات دینی، همه اینها بستگی به این سؤال دارند که ما در نظر خود خدا را چگونه می فهمیم.

زیرا اگر خدا مستبد باشد و حاکمیت خویش را بر جهان با استبداد اعمال نماید و در قبال تمام تغییرات زمانی و تحولات ایستادگی کند، تناقض میان اصلاح طلبان و سنت گرایان در این بینش ریشه داشته و ازلی خواهد بود.

اما هنگامی که از مراجع دینی در این مورد پرسش شود که آیا خدا را مستبد می دانند، آنها این پرسش را به سادگی رها کرده و حاضر نیستند بدان پاسخ دهند. زیرا استبداد در نظر ما انسانها تلقی منفی دارد و لذا این عبارت را نمی توان در باره خدا به کار برد. به همین جهت من دوباره پرسش خویش را از مراجع مسلمان و کلیسائی و این بار به گونه ای دیگر مطرح می کنم: آیا می توان خدا را به گونه ای فهمید که خود او نیز به قوانین خویش متعهد باشد یا که هر گونه قید و تعهدی نسبت به فرامین خودش با قادر متعال بودن وی در تناقض می باشد؟ این درست همان پرسشی است که برداشت استبدادی از خدا را به زیر سؤال می برد. بی خود نیست که در تمامی کشورهای اسلامی تا آغاز بهار عربی استبداد حاکم بود. درست در همین برهه زمانی است که دیدار بندیکت شانزدهم از المان و نفی اصلاحات از جانب وی صورت می گیرد. حال باید دید در آینده از این گرایش های متضاد چه نتیجه ای حاصل می گردد.

تلاکسکالا - ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=5855>